

## سخنی کوتاه با چند تن از دوستان کمیته هماهنگی

جمعی از فعالین کمیته هماهنگی

سیزدهم دی ماه هشتاد و شش

### دوستان گرامی؛

اطلاع دارید که در مورخه ۸۶/۸/۱۸ به فراخوان هیات اجرائیه کمیته هماهنگی بعد از دوره‌ای طولانی و دشوار و بغرنج و حاد امروزی و تحت فشارهای مختلف از اطراف و تهدیدهای جدید حتی به عمل در آمده، مجمع عمومی تشکیل گردید. انتظار میرفت بعد از این همه مدت مجمع عمومی بتواند به جدیت، دلسوزی و آگاهی طبقاتی، اتحاد طبقاتی کارگران ایران و به تبع بخش کوچکی از این طبقه که در کمیته هماهنگی گرد آمده و در نهایت با این شرایط سخت و با وجود انواع افکار تفرقه افکنانه که به صورتهای گوناگون در قبال کارگران و زحمت کشان صف آرایی کرده اند این کمیته با درک شرایط بتواند سهمی اندک و روزنه ای امیدوار کننده برای کارگران و فعالین کارگران باشد. با این حساب بایستی احساس مسئولیت بیشتری احساس کرد. بایستی به این مجمع که خود بدان رای داده ایم و تصمیمات آنرا عالی ترین تصمیم میدانیم و دانسته ایم، به صورت شایسته ای نگاه کرد. اما آیا با آن شیوه برخورد و نگرش، حق و وظیفه انسانی خود را در قبال این بخش از کارگران و فعالین کارگری را ادا نموده، آیا نمود یک انسان را با درک و اندیشه علمی و دیالکتیکی و انسانی به اثبات رسانده ایم و یا آیا میتوانیم این وظیفه را به انجام برسانیم، در این مجمع که مدتها با هم در غم و شادیها و پیروزی‌هایش همراه بودیم وظیفه انسانی خود را به نحو احسن انجام دادیم. راستی اگر ما بعد از این مدت با درکی آزاد اندیشانه در عرصه عمل این گذر را نتوانیم طی کنیم فردا برای دیگران چه پاسخی خواهیم داشت. گرچه مجمع نسبت به مجامع قبلی از حضور اکثریت اعضایش به دلایل مختلف محروم بود اما با این وصف تشکیل گردید، در ابتدا ریاست جلسه تعیین و هیئت اجرائیه گزارش و عملکرد خویش را به شفاهی اعلام نمود، که با نقد و بررسی های متفاوت از طرف مجمع و حتی خود اعضای هیئت اجرائیه روبرو شد، زیرا آنطور که شایسته مجمع باشد و انتظار می رفت هیئت اجرائیه بطور مکتوب و مفصل نتوانست کار کرد نقاط مثبت و منفی کمیته هماهنگی و وضعیت کنونی را تفسیر و توضیح دهد. لزوما این مسئله مورد نقد و بررسی مجمع قرار گرفت، و مجمع بعد از بحث و گفتگوهای متفاوت به این واقف شد که لنگی عملکرد و معضلات اساسی در بحرانی است که از سوی دو طیف مجزا به کمیته هماهنگی تحمیل شده است و این کمیته را از انجام امور محوله باز داشته است. مجمع دریافت در پی این بحران و اختلاف نظر تعدادی از اعضای هیئت اجرائیه به عمد در شرکت فعال و دخالتگری در امور کوتاهی نموده‌اند و میشود به راحتی آنها را نام برد که در این نوشته مجال به پیگیری آن نیست، اما عمده بحران بر می گردد به ارائه و رویکرد جدید در سبک کار و فعالیت کمیته هماهنگی و نهایتاً برای رفع معضلات و سد راه کنونی ارائه اساسنامه جدید حول شرایط کنونی فعالیت کمیته هماهنگی بود. دو اساسنامه پیشنهادی ارائه شده بود و در هر دوی آنها میتوان تغییراتی را مشاهده نمود، قرار بر این شد که دو طرف اختلاف

نظر، در مورد دو طرح پیشنهادی اساسنامه‌ها با همدیگر به گفتگو و دیالوگ و بررسی نقطه نظرات همدیگر پردازند. مجمع نیز در انتظار چنین دیالوگی در مرحله اول با اولین اساسنامه پیشنهادی از طرف سخنگو و موافق آن آقای سلمان روبرو شد. آقای سلمان به جای توضیح و تفسیر نظرات تئوری و عملی خود طرف مقابل را غیر جنبشی و غیر کارگری!! معرفی نموده و بعد از چند دقیقه ای با تعریف و تمجید مشی خویش را کارگری و جنبشی دانسته که متأسفانه فاقد دلایل علمی و تئوری و عملی مناسب بود. بعد از ایشان آقای محسن حکیمی نیز با اتکاء به همان شیوه و با اکتفا به نظرات خویش بدون توجه به نظرات مجمع عمومی تاکید بر خروج خویش را از کمیته هماهنگی، تحت این باور و اندیشه که اگر اساسنامه پیشنهادی من پذیرفته شود که دنباله اساسنامه قبلی است و پیرو آن خط مشی در کمیته هماهنگی باقی خواهم ماند! در غیر این صورت از کمیته هماهنگی خارج خواهم شد که این مسئله در صورت جلسه مجمع نیز موجود است.

این شیوه بر خورد آقای حکیمی و آقای سلمان شوکی چند دقیقه ای را بر مجمع وارد کرد. از آقای حکیمی پرسیده شد چنانچه اساسنامه پیشنهادی شما مجال نقد و بررسی مجمع قرار گیرد و نقاط ضعف و قوت آن حذف یا تائید و به رای مجمع، تجدید نظر نمائید. که نهایتاً آقای حکیمی در حضور مجمع و بدون توجه به رای آن تکرار نمودند که تنها وقتی می مانم و از کمیته هماهنگی خارج نخواهم شد که اساسنامه من مورد پذیرش واقع شود. اما همین سؤال نیز خطاب به ارائه دهنده ی اساسنامه پیشنهادی دیگر به نمایندگی آقای مقدم شد و از ایشان خواسته شد تا از طرف این طیف نظر خود را ارائه دهد، ایشان با صراحت اعلام نمودند که من پایبند به رأی مجمع بوده و مجمع میتواند اساسنامه را مورد مطالعه قرار داده و تصمیم خویش را اتخاذ نماید؛ ما نیز هماهنگ با رأی مجمع در کمیته هماهنگی حتی با تصویب اساسنامه آقای حکیمی با آنها خواهیم ماند و در کمیته هماهنگی باقی مانده و در ضمن نیز پیگیر نظرات خویش خواهیم بود. با توجه به برخورد و شیوه نگرش آقای حکیمی، یکی از اعضای کمیته هماهنگی به صراحت نظرات ایشان را غیردمکراتیک، دیکتاتورمنشانه، ضد کارگری دانسته و ارائه چنین شیوه برخورد و اندیشه ای را نسبت به مجمع، یعنی نظرات ایشان را دلیل به عدم پذیرش نقد دانسته و این مفهوم را می رساند که مجمع بایستی تابع من باشد، این سؤال پیش می آید پس عالیترین رکن تصمیم گیری که خود تصویب نموده اید چه معنا مفهومی خواهد داشت؟ آیا همچنان که خود، اساسنامه قبلی را در چند بخش تغییر داده اید، این اساسنامه پیشنهادی نیز قابل تغییر و نقد و بررسی خواهد بود؟ و چه بسا مجمع که عالیترین تصمیم گیرنده در کمیته هماهنگی است برای ساز و کارها و سبک و شیوه در این شرایط مفاد اساسنامه طرف دیگر را بپذیرد.

اینگونه شیوه تصمیم و نظریه شتابانه و اکتفا به اینکه تنها شیوه درست فکر کردن من هستم به خود من زیان جدی خواهد رساند همچنان که تاریخاً این شیوه اندیشه، سکتاریستی و دیکتاتوری را برخورد تحمیل نموده است.

اما توضیحی کوتاه ضروری است، اینکه قبل از ارائه اساسنامه و توضیح و تفسیر آن ویا روبرو شدن با نقد و بررسی لازم، شتابانه مجمع را وادار کردن به تصمیم و تهدید به خروج خویش در صورت عدم پذیرش، شایسته یک اندیشه علمی نیست و ما را از فرصتها و دانش بیشتر و نقد و نقد پذیری باز میدارد، دوستان عزیز هدف این است در این شرایط می توان همدیگر را تحمل نمود. زیرا نمی توان هیچکس را حتماً مثل هم پیدا نمود. و اما در بسیاری از مطالبات و منافع طبقاتی علی الخصوص در این شرایط بحرانی می توان دریافت و می توان متحدانه با همدیگر از این

مطالبات انسانی مشترک دفاع نمود، در پی اصرار مجمع تا رسیدن به شرایط مطلوب جهت بررسی اساسنامه های پیشنهادی فرجه یک ماهه داده شد تا اساسنامه ها مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته و نهایتاً مجمع رأی خویش را تصویب نماید. از دوستان عزیز نیز انتظاری رود در تصمیمات خویش تجدیدنظر نموده به رای مجمع و اظهار نظرهای دیگران و نقاط مثبت و منفی توجه کرد، و به اتحاد طبقاتی و پیشبرد این امر همت گمارند.

" جمعی از فعالین کمیته هماهنگی "

۱۳۸۴/۱۰/۱۳